



جایگاه موسسات مالی و اعتباری ایران در عرصه بین المللی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۱۵ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۲/۱۵)

آریا عزیزی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل

چکیده

موسسات مالی و اعتباری به عنوان یک نهاد مالی غیر بانکی، موسساتی هستند که به عنوان واسطه و جوه در بازارهای مالی به فعالیت می پردازند. خدمات آنها در بسیاری از زمینه ها شبیه خدمات ارائه شده توسط بانک ها می باشد. نوع خدمات، درجه آزادی و گستردگی فعالیت آنها در تمام کشورها یکسان نبوده و تابع شرایط و قوانین خاص هر کشور است و می تواند عملکرد بانکها را تحت تاثیر قرار دهد. در پژوهش که از نوع پژوهش‌های کاربردی بوده و از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. نتایج این پژوهش بیانگر این نکته است که تنوع خدمات، نرخ سود پرداختی، روشهای بازاریابی و دیدگاه مشتریان همگی بر پایداری منابع بانک تاثیر دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: بانک، موسسات اعتباری، جذب منابع، پایداری منابع، بازاریابی

خدمات



بخش اول: صندوق بین المللی پول

صندوق بین المللی پول مانند بانک بین المللی ترمیم و توسعه، در سال ۱۹۴۴ در جریان کنفرانس برتون وودز و با حضور ۴۴ کشور ایجاد شد. آنان موافقت کردند که نهادی را برای همکاری اقتصادی به منظور جلوگیری از سیاستهای ویرانگری که منجر به بحران دهه سی قرن بیستم شده بود بوجود آورند. ایجاد صندوق بین المللی پول در دسامبر ۱۹۴۵ و پس از تصویب اساسنامه آن از سوی ۲۹ کشور دارنده ۸۰ درصد سهام سرمایه، تحقق واقعی یافت. اجلاس افتتاحیه صندوق در ۸ مارس ۱۹۴۶ در شهر ساواناخ (savannah) در گرجستان برگزار شد. صندوق کار خود را از اول مارس ۱۹۴۷ آغاز نمود. اساسنامه صندوق تا بحال سه بار بترتیب در سالهای ۱۹۶۹، ۱۹۷۸ و ۱۹۹۰ تغییر کرده است. (همان) صندوق بین المللی پول با انعقاد موافقتنامه‌ای که از ۱۵ نوامبر ۱۹۴۷ لازم‌الاجرا شده است، به مؤسسه تخصصی ملل متحد تبدیل شده است. مقر این مؤسسه در شهر واشنگتن قرار دارد.

بند اول : اهداف و اشتغالات

الف) ماده ۱ اساسنامه صندوق بین المللی پول اهداف این مؤسسه را بشرح زیر تعیین نموده است:

- تشویق به گسترش همکاری پولی بین المللی و فراهم کردن سازکاری برای مشورت و همکاری در مورد مسائل پولی بین المللی از طریق یک مؤسسه دائمی
- تسهیل گسترش و رشد موزون تجارت بین المللی و در نتیجه مشارکت برای حصول اهداف اولیه سیاست اقتصادی یعنی اعتلا و حفظ سطح اشتغال و درآمد واقعی و توسعه منابع تولیدی کلیه دولتهای عضو
- تشویق ثبات ارزی، حفظ ترتیبات منظم ارزی میان دولتهای عضو و پرهیز از رقابت در کاهش دادن نرخ ارزها
- کمک به ایجاد یک نظام چند جانبه پرداخت ها در زمینه معاملات جاری فیما بین دولتهای



عضو و همچنین حذف محدودیتهای ارزی که مانع توسعه تجارت جهانی می شوند.

- ایجاد اعتماد میان دولتهای عضو از طریق قرار دادن منابع صندوق بطور موقت در اختیار آنها در مقابل تضمینات مناسب. این به منظور آنست که اعضا بتوانند عدم موازنه پرداختهای خود را اصلاح نمایند بدون آنکه توسط به اقدامهای مضر برای رونق اقتصاد ملی و بین المللی لازم باشد.

- با توجه به نکات پیشگفته، کوتاه کردن زمان و کاهش گستره عدم موازنه پرداختهای دولتهای عضو.

با توجه به تحولاتی که از زمان تأسیس صندوق بین المللی پول تا بحال رخ نموده‌اند می توان اهداف عمده صندوق را بطور خلاصه تشویق همکاری پولی بین المللی، تضمین ثبات مالی، تسهیل مبادلات بین المللی، مشارکت در افزایش میزان کار، ثبات اقتصادی و فقرزدایی دانست.

ب) اشتغالات: صندوق بین المللی پول برای نیل به اهداف خود فعالیتهای متنوعی را انجام می دهد که مهمترین آنها را می توان در چند محور زیر برشمرد:

- بررسی و پی گیری تحوّل وضعیت اقتصادی و مالی داخلی و بین المللی دولتها و ارائه مشورتهای لازم به آنها در قلمرو اقتصادی

صندوق بین المللی پول بطور منظم با دولتهای عضو طرف مشورت قرار می گیرد. برای ارائه این مشورتهای ابتدا یک گروه اقتصاددانان صندوق برای جمع آوری داده های اقتصادی و مالی و مذاکره با مسئولان دولتی، بانک مرکزی و سیاستگذاران اقتصادی وارد دولت مورد نظر می شوند. آنان سیاستهای کلان اقتصادی (سیاستهای بودجه‌ای و پولی و مبادلات ارزی) دولت مزبور و همچنین استحکام نظام مالی آنرا بررسی می نمایند. سپس گزارشی را به صندوق ارائه می کنند. این گزارش توسط شورای اجرایی صندوق مورد بررسی قرار می گیرد و بالاخره مشورتهای لازم به دولت مورد نظر ارائه می گردد. (استوپیر کارلتون، ۱۳۸۸: ۱۲۹)



- اعطای وام ارزی به دولتها برای حمایت از سیاستهای اصلاحی آنها جهت کم کردن کسری موازنه پرداختهای خود و تشویق رشد و توسعه پایدار آنها

- ارائه کمک‌های فنی متنوع به دولتها و آموزش کارمندان و مأموران بانکهای مرکزی آنها در قلمروهای واقع در صلاحیت خود

صندوق بین‌المللی پول کم‌های فنی خود را به طور منظم به دولتهای عضو ارائه می‌نماید. این کمک‌ها شامل آموزش و تربیت کادر مورد نیاز دولتها در بخشهای بانکی (بانک‌های مرکزی)، پولی و مبادلات ارزی، مالی و آماری می‌باشند. هدف ارائه کمک و مساعدت به دولتهای عضو برای اجرای بهتر سیاست‌های اقتصادی خود و تقویت هر چه بیشتر ارکان ذیصلاح در این قلمرو بخصوص وزارت خانه‌های دارایی و بانکهای مرکزی، می‌باشد.

صندوق بین‌المللی پول اخیراً در جهت تقویت ساختار مالی بین‌المللی کمک‌های فنی خود را افزایش داده است. به این منظور، صندوق کمکهایی را به کشورها برای تحکیم نظام مالی خود، جمع‌آوری و ارائه بهتر آمارهای اقتصادی و مالی، تقویت نظان حقوقی و مالی بهبود مقررات و نظارت بر بانکها ارائه می‌نماید.

ج- اعضاء: اعضا صندوق بین‌المللی پول به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول شامل اعضای اصلی صندوق می‌شود و آن دولتهایی هستند که در کنفرانس پولی و مالی ملل متحد در ۱۹۴۴ شرکت داشته، اساسنامه صندوق را قبل یا تا ۳۱ دسامبر ۱۹۴۵ تصویب نموده‌اند. گروه دوم دربرگیرنده سایر اعضا می‌باشد. بدین ترتیب که کلیه دولتها می‌توانند مطابق شرایط مصوب هیأت مدیره صندوق به عضویت آن درآیند. در حال حاضر تعداد اعضا صندوق بین‌المللی پول بالغ بر ۱۸۴ دولت است. (بیگ زاده، ۱۳۸۲: ۶۳۰)

د- ساختار: صندوق بین‌المللی پول دارای یک هیأت مدیره، یک شورای اجرایی، یک مدیرکل و تعدادی کارمند می‌باشد.

۱- هیأت مدیره



۲- شورای اجرایی

۳- مدیرکل و کارمندان

بند سوم: اهداف، اصول و ویژگیهای نظام اعتباری جدید

الف- اهداف: براساس ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا و مشخصات بند اول آن، اهداف و راهکارهای اعتباری نظام بانکی جدید عبارتند از:

۱- استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنی حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور.

۲- فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاستها و برنامه های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی با ابزارهای پولی و اعتباری

۳- ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه و اندوخته ها و پس اندازها و سپرده ها و بسیج آنها در جهت تأمین شرایط و امکانات کار و سرمایه گذاری به منظور اجرای بندهای ۲ و ۹ اصل چهل و سوم قانون اساسی با وضع اهداف مذکور، نظام بانکی به صورت وسیله ای جهت نیل به یک اقتصاد مبتنی بر قسط و عدل و عاملی برای سوق منابع مالی در راستای نیازهای اساسی جامعه درآمده و این امر خطیر از طریق انجام معاملات غیر ربوی و هماهنگی سیاستهای پولی و اعتباری، سیاستهای اقتصادی دولت تحقق می پذیرد. (همان)

با حذف بهره، تأمین تسهیلات مورد نیاز جامعه یا باید در قالب قرض الحسنه و یا در قالبهای مناسب دیگری صورت می گرفت انجام دادن عملیات بانکی در چارچوب معاملاتی که مشروعاً مجاز شناخته شده از مناسبترین روشی بود که می توانست در تأمین اهداف مورد نظر وافی به مقصود باشد لذا در نظام جدید بانکی تسهیلات اعطایی کلاً بر پایه معاملات و عقود اسلامی قرار گرفته است.

ب- اصول: علاوه بر حذف ربا به عنوان یک اصل و شالوده اساسی، نظام اعتباری مبتنی بر



قانون عملیات بانکی بدون ربا بر دو اصل مهم و عمده استوار است.

۱- اعطای تسهیلات توسط بانک‌ها باید به صورتی انجام پذیرد که براساس پیش بینی های مربوط اصل منابع تأمین شده برای تسهیلات اعطایی و همچنین سود مورد انتظار در صورت تحقق، در مدت معینی قابل برگشت باشد.

۲- در جهت حسن انجام اجرای قراردادهای منعقد، بانک‌ها می باید بر نحوه مصرف و بازگشت تسهیلات اعطایی، نظارتهای لازم و کافی به عمل آورند.

ج- ویژگی ها: گرچه به نظر می رسد در معاملات غیر ربوی بانک‌ها نقش تاجر و طرف تجاری را ایفا می نمایند ولی عملاً با ضوابط و دستورالعملهای صادره خصیصه "واسطه وجوه بودن" بانک‌ها حفظ گردیده و از مبادرت مستقیم بانک‌ها به عملیات تجاری و بازرگانی جلوگیری شده است، لذا با توجه قانون عملیات بانکی بدون ربا اهم ویژگیهای نظام اعتباری جدید عبارتند از:

۱- تخصیص بخشی تسهیلات اعطایی

۲- تعدیل فرهنگ وثیقه

۳- بازگشت روان و بدون وقفه پول و سرمایه

۴- هدایت، کنترل و نظارت بر مصرف تسهیلات

۵- سودآوری مطلوب و کاهش ریسک سرمایه گذاری

۶- احتمال کمتر بودن زیان در بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری ربوی

۷- توزیع درآمد بانک‌ها در گستره وسیعی از قشرهای جامعه

بند چهارم: مؤسسات تخصصی ملل متحد در قلمرو اقتصادی

این مؤسسات بخش قابل توجهی از فعالیتهای اقتصادی بین المللی را پوشش می دهند. پیشینه



تأسیس این مؤسسات به دوران دوقطبی بودن روابط بین‌المللی باز می‌گردد. عصری که از یک سو، تحت تأثیر تعارضهای شرق و غرب و از سوی دیگر، شاهد درگیری میان کشورهای فقیر و غنی بود. بخش مهمی از این تعارضها با فروپاشی بلوک شرق از میان رفته است و این خود سبب رونق مؤسسات تخصصی اقتصادی شده است. این مؤسسات براساس لیبرالیسم اقتصادی بنا شده‌اند. (بیگ زاده، ۱۳۸۲: ۶۳۲)

مؤسسات تخصصی اقتصادی خود شامل سه دسته مؤسسات مالی، پولی و تجاری می‌شوند، که بترتیب مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

بند پنجم: مؤسسات تخصصی ملل متحد در قلمرو مالی: گروه بانک جهانی

گروه بانک جهانی که مهم‌ترین مؤسسات تخصصی ملل متحد در قلمرو فعالیتهای مالی بین‌المللی است خود از پنج نهاد:

- بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه

- مؤسسه مالی بین‌المللی

- انجمن بین‌المللی توسعه

- آژانس چند جانبه تضمین سرمایه گذاریها

- مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری

تشکیل شده است.

الف- بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه

بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه مهم‌ترین نهاد گروه بانک جهانی است.

۱- پیشینه: پیشینه بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه به کنفرانس پولی و مالی ملل متحد باز می‌گردد که در سال ۱۹۴۴ در شهر برتون‌وودز برگزار شد.



قبل از این کنفرانس نیز اجلاسی از کارشناسان در ۱۹۴۳ در واشنگتن برگزار گردید که طی آن پیش‌نویس اساسنامه های بانک بین‌المللی و صندوق بین‌المللی پول تهیه شدند. (بیگ زاده، ۱۳۸۲: ۶۳۳) سند مؤسس بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ از سوی ۲۸ کشور امضاء شد. این نهاد کار خود را از ۲۵ جولای ۱۹۴۶ آغاز نمود. بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه با انعقاد موافقتنامه ای با سازمان ملل متحد بعنوان مؤسسه تخصصی این سازمان درآمده است. موافقتنامه مزبور از ۱۵ نوامبر ۱۹۴۷ لازم‌الاجرا شده است. مقر بانک در شهر واشنگتن قرار دارد، چون که طبق ماده ۵ قسمت نهم سند مؤسس اداره مرکزی بانک در کشور عضوی خواهد بود که بیشترین سهام را در بانک داراست.

۲- اهداف و اشتغالات: طبق ماده ۱ اساسنامه بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه اهداف این مؤسسه عبارتند از:

- کمک به ترمیم و توسعه دولتهای عضو از طریق ایجاد تسهیلات لازم برای سرمایه‌گذاری در امر تولید که این شامل احیا اقتصادهای از بین رفته یا مختل شده در زمان جنگ، ایجاد مجدد تسهیلات تولیدی لازم برای زمان صلح و تشویق توسعه و تأمین تسهیلات تولیدی و منابع در کشورهای کمتر توسعه یافته می‌باشد.

- تشویق در بکار انداختن سرمایه‌های خصوصی خارجی از طریق تضمین‌ها یا مشارکت در وام‌ها و سایر سرمایه‌گذاریهایی که توسط سرمایه‌گذاران خصوصی انجام می‌شوند. هرگاه سرمایه‌های خصوصی برای تولید به میزان لازم یا با شرایط مناسب تأمین نشوند، بانک مبادرت به تکمیل سرمایه‌گذاری‌های خصوصی از طریق فراهم آوردن وجوه مورد نیاز از سرمایه خود و وجوهی که جمع‌آوری نموده و همچنین سایر منابع خویش می‌نماید

- تشویق رشد متوازن تجارت بین‌المللی در بلند مدت و حفظ تعادل در موازنه پرداختها از طریق تشویق سرمایه‌گذاری بین‌المللی برای توسعه منابع تولید اعضا می‌باشد، تا بدین ترتیب قدرت تولیدی افزایش یافته و سطح زندگی و شرایط کار در سرزمین دولتهای عضو ترقی نماید



- اعطای وام از سوی بانک یا تضمین وام‌های بین‌المللی دیگر به منظور شروع به اجرای طرح‌های مفید و فوری اعم از بزرگ و کوچک

- اداره عملیات بانکی با توجه به تأثیر سرمایه‌گذاری بین‌المللی در وضعیت تجاری دولتهای عضو، و در اولین سالهای پس از جنگ، مساعدت به گذار آرام از اقتصاد زمان جنگ به اقتصاد زمان صلح

- یکی از جدیدترین اهداف بانک فقرزدایی و مبارزه با فقر و فاقه در جهان می‌باشد.

بیشترین فعالیتهای بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه در ابتدا متوجه بازسازی کشورهای اروپایی در دوران پس از جنگ جهانی دوم بود.

هدف ترمیم و بازسازی بانک در حال حاضر در وضعیت‌های ناشی از وقوع بلایای طبیعی و مخاصمات مسلحانه در کشورهای در حال توسعه و همچنین در کشورهای با اقتصاد در حال گذار پی‌گیری می‌شود.

هدف بانک در قلمرو «توسعه» امروزه بیشتر متوجه «فقرزدایی» است. بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، برای تحقق اهداف خود بطور عمده از طریق اعطای وام به دولتهای عضو و یا تضمین وام‌های پرداختی به شرکتهای دولتی یا خصوصی عمل می‌کند. بانک همچنین با اعزام کارشناس برای مطالعه وضعیت اقتصادی و مالی کشورها و ارائه کمک‌های فنی به آنها در این قلمروها و آموزش افراد در بخش‌های بانکی، ارزی، اعتباری و توسعه اقتصادی برای پیشبرد اهداف خود تلاش می‌نماید. البته بانک در دوران حیات خود گاهی مجبور به پذیرش اولویتهایی شده است. برای مثال در دهه هشتاد قرن بیستم بانک بطور عمده متوجه مسائل و مشکلات اقتصادی کلان و تمدید مدت زمان بازپرداخت قروض دولتها بود. این اولویتهای عوامل چند سال بعد جای خود را به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی دادند. در این تغییر اولویتهای عوامل مختلفی از جمله سازمانهای غیردولتی (سازمانهای مردم‌نهاد) نقش مهمی دارند. این سازمانها با انتقاد از عملکردهای بانک سبب تغییراتی در جهت‌گیریهای آن می‌



شوند. البته این تغییرات به گونه‌ای نیستند که بانک را از اهداف اصلی خود دور نمایند.

۳- اعضاء: طبق ماده ۲ اساسنامه بانک بین المللی ترمیم و توسعه، اعضا اصلی بانک همان اعضا صندوق بین المللی پول هستند که عضویت بانک را تا سی و یکم دسامبر ۱۹۴۵ پذیرفته‌اند. عضویت بانک برای سایر اعضای صندوق هم در مواقع و شرایطی که بانک ممکن است مقرر کند آزاد خواهد بود.

بخش دوم: نقش موسسات مالی اعتباری در اقتصاد

در هر نظام اقتصادی بخش‌های مالی و حقیقی به عنوان مکمل یکدیگر عمل می‌نمایند. عدم کارآیی هریک، ناکارآیی دیگری را به دنبال دارد. در کشورهای توسعه یافته، بخش‌های مالی و حقیقی ارتباط معنا داری با یکدیگر دارند به خصوص بخشی از فعالیت‌های مالی که به تجهیز منابع و هدایت آن به سوی طرح‌های سرمایه‌گذاری می‌پردازد، تاثیر بسزایی در رشد بخش حقیقی دارد. دستیابی به رشد بلندمدت و مداوم اقتصادی، نیازمند تجهیز و تخصیص بهینه منابع در سطح اقتصاد ملی است و این مهم بدون کمک بازارهای مالی به سهولت امکان‌پذیر نیست. بازار مالی، بازار رسمی و سازمان یافته‌ای است که در آن عملیات انتقال وجوه از افراد و واحدهایی که با مازاد منابع مالی مواجه هستند به افراد و واحدهای متقاضی منابع صورت می‌گیرد. پویایی و خلاقیت از ویژگی‌های عمده بازارهای مالی است و هر روز بنا به ضرورت ابزارهای مالی جدیدی طراحی و عرضه می‌شود. سرمایه‌گذاران نیز با توجه به توان مالی، میزان انتظار از منافع آتی سرمایه‌گذاری و میزان ریسک‌پذیری شان، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب می‌کنند. در مجموع شواهد فراوان از تاثیر مثبت و انکارناپذیر بازار مالی بر رشد بخش حقیقی اقتصاد دارد. تجربه چند دهه اخیر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه خود بهترین مویده نقش بازارهای مالی متشکل، کارآمد و پویا در تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی است. بازارهای مالی در برگیرنده بازار پول، بازار سرمایه و بازار بیمه می‌باشند. بازار پول، بازار مطالبات کوتاه مدت است. گرایش اصلی بازار پول اصولاً بر ابزارهایی متمرکز است که با استفاده از آن بتوان به سرعت وضعیت نقدشوندگی را تغییر داد. در نتیجه به دلیل ماهیت کوتاه مدت آن، تبدیل



وجوه جمع‌آوری شده به سرمایه مالی امکان‌پذیر نبوده و تنها برای تامین مالی عملیات تولیدی و تجاری پیش‌بینی نشده به کار می‌رود. (زند فرد، ۱۳۷۷: ۱۰۶)

اشخاص حقوقی که در بازار پول مشغول به فعالیت می‌باشند، نهادهای مالی بانکی (بانک‌های تجاری و تخصصی) و نهادهای مالی غیر بانکی (موسسات مالی و اعتباری و ...) می‌باشند. این نهادها در حقیقت بار اصلی نظام مالی را بردوش می‌کشند و نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت منابع به سمت تولید و ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد دارند. در واقع آنها با فعالیت‌های بی‌وقفه خود در تجهیز منابع مالی کوتاه مدت و بلندمدت (پس‌اندازهای خرد اشخاص) در پایین آوردن خطر سرمایه‌گذاری، تخصیص بهینه منابع، کاهش هزینه‌های معاملاتی و در نهایت رشد و رونق اقتصادی کشور نقش اساسی ایفا می‌نمایند.

موسسات مالی و اعتباری به عنوان یک نهاد مالی غیر بانکی، موسساتی هستند که به عنوان واسطه وجوه در بازارهای مالی به فعالیت می‌پردازند. خدمات آنها در بسیاری از زمینه‌ها شبیه خدمات ارائه شده توسط بانک‌ها می‌باشد. نوع خدمات، درجه آزادی و گستردگی فعالیت آنها در تمام کشورها یکسان نبوده و تابع شرایط و قوانین خاص هر کشور است.

طبق آیین‌نامه مقررات تاسیس و نحوه فعالیت موسسات مالی و اعتباری، این موسسات از طریق جذب انواع سپرده‌های مجاز بانکی و استفاده از سایر ابزارهای مالی به تجهیز منابع مبادرت نموده و این منابع را به اعطای تسهیلات اعتباری اختصاص داده یا به هر نحو دیگری بنا به تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب قانون، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی عملیات بانکی بدون ربا واسطه بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان منابع مالی می‌شوند. (زند فرد، ۱۳۷۷: ۱۰۷)

برخی از فعالیت‌ها و خدماتی که موسسات مالی و اعتباری قادر به ارائه آن می‌باشند، عبارتند از:

۱- تامین مالی و وام‌دهی تجاری در بخش تولید:



-تامین مالی در مقابل به وثیقه گرفتن دارایی‌های قابل وصول؛

-تامین مالی از طریق وام دهی تجاری؛

-تامین سرمایه برای آغاز کارهای تولیدی؛

-فعالیت در امر پیش خرید محصولات.

۲ - ارائه خدمات نوین بانکی به مشتریان

-صدور کارت اعتباری و بدهی؛

-تسهیل نقل و انتقال وجوه از طریق ابزارهای الکترونیک (اینترنت، تلفن و ...).

۳ - فعالیت در امور بیمه‌ای

۴ - فعالیت در امور سرمایه‌گذاری

- ارائه خدمات کارگزاری کالا و اوراق بهادار

- مشارکت مستقیم در سرمایه‌گذاری‌ها

- تشکیل صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و ...

به این ترتیب موسسات مالی و اعتباری به عنوان مکمل سیستم بانکی نقش موثری در پویایی بازار مالی هر کشوری دارند، اما متأسفانه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، سیستم مالی دارای نقایص و ناکارآمدی‌های فراوان است که باعث شده کمیت و کیفیت ارائه خدمات مالی در سطح نسبتاً پایینی قرار داشته باشد. در ایران، نهادهای مالی موجود از بانک‌ها و موسسه اعتباری گرفته تا صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی‌های اعتباری نقش خود را در رشد و انباشت و توزیع بهینه سرمایه و منافع مالی به درستی ایفا نمی‌کنند و بعضاً خدمات خود را به صورت غیر حرفه‌ای در جامعه عرضه می‌نمایند. به عبارت دیگر نظام مالی کشور به وظیفه اصلی خود یعنی تخصیص منابع با حداقل هزینه‌های معاملاتی از طریق



بکارگیری پس‌اندازها، تخصیص منابع، اعمال کنترل و نظارت موثر بر متقاضیان و وام گیرندگان، بهبود مدیریت ریسک و آسان نمودن داد و ستدها (حداقل کردن بوروکراسی) آنچنان که باید عمل نمی‌کند. آنچه به عنوان عامل اصلی این عدم موفقیت معرفی می‌شود، ضعف ساختار نظام مالی کشور ناشی از فقدان رقابت میان نهادهای مالی است. (زند فرد، ۱۳۷۷: ۱۰۸)

در کشورهای در حال توسعه اغلب نهادهای مالی به بانک‌ها خلاصه می‌شود، به عبارتی دیگر نظام مالی آنها بر پایه بانک است. این بانک‌ها هستند که با حضور خود در عرصه اقتصادی، نقش تعیین کننده‌ای در تامین مالی و نقدینگی شرکت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و ... دارا می‌باشند و متاسفانه نقش و کارکرد موسسات مالی و اعتباری بسیار ضعیف شده است. به‌رغم اینکه موسسات مالی و اعتباری در کنار بانک‌ها مشغول به فعالیت می‌باشند، ولی هیچگاه نتوانسته‌اند نقش اصلی و مؤثر خود را در اقتصاد ایفا نمایند. عوامل کلیدی این عدم موفقیت نابرابری بین بانک‌ها (دولتی و خصوصی) و موسسات مالی و اعتباری در ارائه خدمات و وجود انحصار و موانع قانونی متعدد فراروی آنان می‌باشد.

با این وجود، طبق آمارهای منتشر شده تعداد زیادی نهادهای مالی غیر بانکی در کشور ما فعالیت می‌کنند که همگی با انجام فعالیت‌های متداول بانکی، بخش قابل توجهی از نقدینگی جامعه را (سهم حدود ۶ درصدی از حجم نقدینگی) به خود اختصاص داده‌اند و این نمایانگر آن است که به رغم تمام محدودیت‌ها، موسسات مالی و اعتباری توانسته‌اند با گستردگی شعب خود در سراسر کشور در کنار بانک‌های دولتی و خصوصی به فعالیت پردازند و سهم مناسبی از بازار را کسب نمایند.

از آنجا که ماده ۹۸ از فصل دهم قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی با عنوان ساماندهی بازارهای مالی، اجازه تاسیس موسسات مالی و اعتباری غیر دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی را جهت افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی، تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور را داده است، سازمانهای ذی صلاح می‌توانند از طریق:



۱ - ایجاد قانون متشکل پولی، خاص موسسات مالی و اعتباری جهت انسجام بخشیدن به عملکرد آنها در کشور.

۲- حذف انحصار و رفع موانع قانونی در تاسیس و گسترش موسسات مالی و اعتباری و سایر نهادهای مالی جهت ایجاد فضای رقابتی سالم بین بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری.

۳ - نظارت و کنترل مستمر بر عملکرد موسسات مالی و اعتباری و شفاف‌سازی وظایف آنها. زمینه توسعه و رونق بازارهای مالی و در نتیجه تکامل نظام مالی را فراهم سازند.

در حال حاضر به علت یکسان بودن نرخ سود بانکی تعیین شده توسط بانک مرکزی برای بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی از یک طرف و برخی محدودیت‌های موسسات غیر بانکی در مقایسه بانک‌ها از طرف دیگر موجب نابرابری رقابت بین این دو نوع بنگاه در بازار پول شده است. کارمزد مربوط به خدمات صرفاً بانکی که عمدتاً بر محور استفاده از چک در سیستم بانکی شکل می‌گیرد و درآمدهای مربوط به انواع معاملات ارزی، فعالیت در زمینه گشایش اعتبارات اسنادی و...، همگی موجب نابرابری بین بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی شده است، لذا طراحی چارچوب مناسب برای فعالیت و رقابت منصفانه بین بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری یک امر ضروری است. نکته مهم دیگر فعالیت بخشی از موسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه در محدوده خارج از ضوابط اعلام شده بانک مرکزی است. اصولاً دو نوع نظارت در دنیا وجود دارد، یکی سخت کردن شرایط ورود به بازار و آسان‌گیری بعد از ورود، دیگر آسان‌گیری ورود به بازار و سخت‌گیری بعد از ورود به بازار، البته حد وسط هم وجود دارد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل وجود موسسات و صندوق‌های بدون مجوز بانک مرکزی در کشور، که طی سالیان گذشته در سراسر کشور شکل گرفته‌اند، سخت بودن اخذ مجوز و سخت‌گیری غیر ضروری و مقامات مسوول پولی و بانکی بوده است. با اینکه خیلی از موسسات فعال در کشور اصرار بر تحت نظارت بانک مرکزی بودن را دارند، ولی بانک مرکزی به علت انتخاب روش سنتی سخت‌گیری در اعطای مجوز اولیه، عملاً در مقابل کار انجام شده قرار گرفته و نظارت کارآمد بعد از تاسیس را نیز از

دست داده است. (نیاورانی، ۱۳۸۷:۹۵)

اصولا در کشور ما تفکر همه یا هیچ، یا قاعده صفر و یک به شکل سنتی ریشه دوانده است. ۰/۲، ۵/۰ یا ۸/۰ معنای خودش را در فاصله صفر تا یک از دست داده یا کمرنگ شده است. این بدان مفهوم است که چشم خود را بر واقعیت بسته و بر معیارهای ایده آل، بیشتر تاکید می کنیم. با توجه به دیدگاه های مثبت رییس کل محترم بانک مرکزی و فرصتی که با تاکیدات بیشتر رییس جمهوری محترم که برای اصلاح ساختار بازار پول کشور پدید آمده است، می توان نواقص بازار پولی کشور را با تجدید نظر در مقررات تاسیس و نظارت بر بنگاه های بانکی و غیر بانکی و در جهت رقابتی کردن فعالیت فعالین بازار پول رفع کرد. باید پذیریم بازارهای مالی نقش مهمی در توسعه و پیشرفت کشور بازی می کنند بازار مالی یک واحد یکپارچه ای است که همه ابعاد و زوایای آن باید دیده شوند. بازار سرمایه چه اولیه چه ثانویه، بازار پول با همه اعضای آن یعنی بانک ها، موسسات مالی و اعتباری، صندوق های پس انداز و بازار بیمه با همه اعضای آن؛ یعنی بیمه های بازرگانی، تأمین اجتماعی، صندوق های بازنشستگی و ... اگر درست و هماهنگ و منظم فعالیت نکنند و از یک چشم انداز و مقررات نظارتی همگن بهره مند نباشند، عملکرد بهینه و کارآمد این بازار دور از انتظار خواهد بود، لذا برخورد جزیره ای به این سه بازار اصلی بخش مالی کشور و نیز نگاه دو گانه و چند گانه به فعالین هر یک از این بازارها نظیر آنچه در حال حاضر در جریان است از کارآمدی آنها کاسته و مانع تکامل بازار مالی کشور خواهد شد. واقعیت ها را باید پذیرفت، مقررات غیر قابل اجرا و دست نیافتنی را که صرفا در روی کاغذ نوشته می شود کنار گذاشت و با کاهش مقررات دست و پاگیر و تعیین جهت گیری کلان بازارهای بخش مالی کشور به تقویت رقابت جهت بالابردن بازدهی بنگاه های فعال در بخش مالی و در نتیجه بهره مندی بیشتر مردم از خدمات آنها پرداخت. بانک مرکزی، بیمه مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار بیشتر از آنچه خود را در گیر پیگیری و اجرای مقررات دست و پاگیر و غیر مهم نمایند، بهتر است با تجدید ساختار نظارتی خود، به خصوص دادن اختیار و قدرت تصمیم گیری به واحدهای نظارتی جهت





کارآمد کردن نظارت بعد از شروع فعالیت بجای سخت‌گیری بی‌مورد در هنگام تاسیس و شروع فعالیت از سلامت عملیات بازارهای پول، سرمایه و بیمه به مردم اطمینان دهند.

توانگری مالی شرکت‌های بیمه و بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری، شفافیت معاملات و اطلاعات شرکت‌های بورسی و در یک کلمه قابل تکیه بودن اطلاعات و قدرت مالی موسسات فعال در بخش مالی را تضمین کرده و از حقوق مشتریان بانک‌ها و بیمه‌ها و خریداران سهام دفاع نمایند، آنچه به نظر می‌رسد در داخل انبوهی از مقررات و ضوابط دست و پا گیر گم شده یا حداقل کمرنگ شده است. (نیاورانی، ۱۳۸۷:۹۶)

بخش سوم: پیامدهای ورشکستگی موسسات مالی و اعتباری در ایران

موسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های اعطای وام که با مجوز یا بدون مجوز بانک مرکزی در کشور فعالیت می‌کردند طی چند سال اخیر با بحرانهای مالی روبرو شده‌اند که مشکلات و چالش‌های ناشی از آن دامنگیر سپرده‌گذاران، سیاستمداران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شده است. مشکلاتی که یک شبه به وجود نیامد و یک شبه هم حل نخواهد شد؛ حال این سوال مطرح است که در این میان چه کسی مسئول این وضع بحرانی موسسات مالی و اعتباری در سطح کشور است؟

تحلیل گران اقتصادی کشور در این که در بحران موسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های تعاونی اعتبار، بانک مرکزی به عنوان نماینده حاکمیت یا مردم و سپرده‌گذاران کدامیک مقصرند، اتفاق نظر ندارند. یک فعال بخش خصوصی با اشاره به تجمع مستمر عده‌ای تحت عنوان مالباختگان این مؤسسه‌ها مقابل نهادهای رسمی می‌گوید: مسئولان بانک مرکزی چهار سال است در کنار همه وظایفی که بر عهده دارند، مشغول ساماندهی صدها مؤسسه غیر مجاز هستند. سوء استفاده از صبوری و معذوریت مدیران این نهاد در بازگویی حقایق این بحران موجب شده که نهادهای ناپیدا اکنون طلبکارانه علیه بانک مرکزی حاشیه‌سازی کنند و مالباختگان احتمالی را سراغ سیاستگذار پولی بفرستند.



بی تردید ناظر بازار پول در دوره‌های قبل تقصیراتی در این خصوص داشته است، اما نباید اسیر تبلیغات دروغین و فشارهای نامرئی شد و به جای دادن نشانی مقصر اصلی، آدرس بانک مرکزی را به مردم زیان‌دیده داد.

هر فعالیتی که در جامعه انجام می‌شود باید حتما در حوزه یک وزارتخانه یا سازمان باشد و فعالیتی هم نباید باشد که به دو ارگان مربوط باشد که تداخل کار و فعالیت به وجود بیاید، از این نظر موسسات مالی و اعتباری زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی هستند. این صندوق‌ها ابتدا به صورت محدود در اداره‌ها، شرکت‌ها یا حتی مجموعه‌های خانوادگی به وجود آمدند که باید مجوزهای لازم را می‌داشتند و قوانین و مقررات را در شکل‌گیری خود رعایت می‌کردند و بر کارشان نظارت می‌شد مثلاً علاوه بر تضمین‌های قانونی را که باید در بانک مرکزی می‌داشتند، نسبت به تامین سرمایه لازم برای کارشان اقدام می‌کردند. اما بانک مرکزی در دوره‌ای که این موسسات و صندوق‌ها کار خودشان را آغاز کردند این کار را انجام نداد. وی می‌گوید: اشکال اصلی این بوده که این صندوق‌ها و موسسات نادیده گرفته شدند یعنی اینها کار خود را می‌کردند و روز به روز فعالیت‌های شان را زیاد می‌کردند و از آن طرف بانک مرکزی فقط اطلاعیه می‌داد که این موسسات غیر قانونی‌اند، در حالی که اگر غیر قانونی بودند باید جلوی فعالیت آنها گرفته و درشان بسته می‌شد تا در چارچوب قانون قرار بگیرند.

برای رفع مشکل موسسه کاسپین و نظایر این موسسه نیاز است بانک مرکزی به طور جدی ورود کند که البته بانک مرکزی اقداماتی را انجام داده است. حتی در خصوص ماهیت سهامداران این موسسات و صندوق‌ها هم اختلاف نظر وجود دارد به طور مثال جلال پور در این خصوص معتقد است: نباید گمان کرد همه آنهایی که این روزها تحت عنوان مالباختگان مؤسسه‌های مالی و اعتباری غیرمجاز دست به اعتراض می‌زنند گروه‌های فشار بازارپول هستند که با هدف امتیاز گرفتن از بانک مرکزی دست به تجمع زده‌اند. به مردمی که در این موسسات سپرده‌گذاری کردند هم نمی‌توان اشکال گرفت. چون عقل اقتصادی می‌گوید اگر جایی



سود اقتصادی بیشتری به تو می دهد، پولت را همان جا سرمایه گذاری و سپرده گذاری کن؛ پس مردم به لحاظ اقتصادی و عقلانی کار درستی کرده اند. (نیاورانی، ۹۹:۱۳۸۷)

عده ای از تحلیل گران مسائل اقتصادی اما ریشه تعدادی از این بحران ها را در رقابت ناسالم اقتصادی بین موسسات مالی و اعتباری و صندوق های تعاونی اعتبار می دانند که منجر به بروز پدیده ای به نام "پانیک" بانکی می شود.

این پدیده به هجوم برخی سپرده گذاران به شعب بانک برای بازپس گیری سپرده های خود گفته می شود که عمدتاً در نظام های مالی متزلزل با نظارت ضعیف مراجع ناظر رخ می دهد. این پدیده بدین صورت است که رقبا در صنعت بانکداری با استفاده سوء از ترفندهای تبلیغاتی اخلاقی یا غیراخلاقی اقدام به تحریک مشتریان بانک های رقیب کرده و موجب می شوند سپرده گذاران این بانک ها برای دریافت اصل پول خود و جلوگیری از ضرر به شعب آن بانک هجوم بیاورند و در نهایت شایعه ای بی اساس، واقعیتی خطرناک را می سازد، چون حتی در بزرگترین بانک های دنیا نسبت موجودی نقد به دارایی ها، تحت هیچ شرایطی بیشتر از ۵ تا ۱۰ درصد نیست. الان هر بانکی را در دنیا ولو بهترین و موفقترین بانک باشد را هم بررسی کنید، موجودی حساب های مشتریانشان از پول موجود در بانک بیشتر است. یعنی اصلاً امکان ندارد بانکی یک روزه همه سپرده های سپرده گذاران شان را پرداخت کند. هیچ بانکی نمی تواند چنین کاری بکند، چون بانک پول را معطل نمی گذارد و با آن کار می کند تا سودآور باشد و جو و فضای عدم اطمینانی که ایجاد می شود، بدگمانی را تشدید می کند؛ یعنی سپرده گذاری که پولش را لازم هم ندارد به سمت دریافت پولش می رود و در عمل بانک یا موسسه به جایی می رسد که در را ببندد و پلیس را خبر کند.

نتیجه گیری

امروزه با کمی تامل و دقت در سطح شهر به وضوح می توان به تعداد و تنوع موسسات مالی و اعتباری که در گوشه گوشه شهر خودنمایی می کنند پی برد. در پاره ای از مناطق شهری رقابت بانک ها و موسسات برای کسب سهم بیشتر از بازار و بالابردن میزان منابع و متقابلاً



اعطای تسهیلات پرداختی به متقاضیان به اندازه‌ای چشمگیر شده که نسبت بانک‌ها و موسسات اعتباری به سایر مغازه‌ها بیشتر و مشهودتر است اما سوال اینجا است که آیا این کثرت و تنوع موسسات مالی و اعتباری برای سیستم بانکی می‌تواند بحران‌زا باشد؟ ریسک تصمیم‌گیری مشتریانی که هر روزه تبلیغات و فعالیت‌های روزمره این موسسات را می‌بینند چه میزان است؟ آیا می‌توان اذعان کرد که تنوع و گستردگی و تداوم فعالیت این موسسات گاه به‌خاطر تمایل مشتریان به فرار از قوانین دست‌وپاگیر بانک‌ها است و این موسسات با رویه‌ها و فرآیندهایی که خواسته‌های مشتریان را به سادگی اما با قیمت بالاتر تامین می‌کنند ریسک‌هایی را نیز بر مشتری تحمیل می‌کنند. وقتی موسساتی که خودشان با مشکل و بحران مواجه هستند، تغییر ایجاد می‌شود، بخش عمده محاسبات و حساب‌های مالی به هم می‌ریزد؛ از آن طرف این موسسات از نظر هزینه‌های جاری و دارایی‌های ثابت مسائل و مشکلات زیادی دارند که باید کاملاً دقیق، شفاف و مشخص باشد. ادغام در صورتی مفید است که موسسات مالی و اعتباری ادغام‌شونده هیچ بحران و مشکلی نداشته باشند تا بتوان گفت با ادغام، موسسات بزرگتر کارایی بیشتری خواهند داشت که در شرایط کنونی چنین نیست. این بحث‌ها معلول است و ما اصلاً سراغ علت‌ها نمی‌رویم؛ در واقع ساختار اصلی باید درست باشد. یعنی تمام قوانین، مقررات، نظارت‌ها، سیاست‌های مالی، پولی، تجاری و مالیاتی باید به گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مفید به راحتی بتوانند انجام شوند و اگر کسی هم بخواهد فعالیت‌های غیر مفید انجام دهد موانع بسیار زیادی جلویش ایجاد شود. اگر این گونه شد خود به خود منابع، امکانات، نیروی انسانی و سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مفید می‌رود و تا این امر درست نشود، کار درست نخواهد شد. یعنی شما صندوق‌ها و موسسات را جمع می‌کنید، در حالی که ساختار نادرست است. اشکالاتی که به این موسسات گرفته می‌شود، به بانک‌ها هم وارد است. در خصوص راهکارها و پیشنهادهاتی که می‌توان در این راستا بیان کرد می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱- برچیده شدن موسسات مالی و اعتباری



۲- کوچک شدن بانک‌ها (کاستن از تعداد آنها)

۳- هماهنگ شدن با نظام پولی بین‌المللی

۴- برای موسسه مالی اعتباری رعایت مقررات کمیته بال الزامی نیست و این در حالی است که برای بانک‌ها الزام می‌باشد.

۵- اساسنامه بانک‌ها می‌بایست به تصویب شورای پول و اعتبار برسد در صورتی که برای موسسات اعتباری این الزام وجود ندارد.

۶- پرداخت سپرده قانونی به بانک مرکزی برای بانک الزامی است در حالی که در موسسات مالی اجباری برای این امر وجود ندارد.

۷- این موسسه به شبکه شتاب بانکی نپیوسته است و امکان انجام فعالیت‌های ارزی و سایر عملیات بانکی را هم تا تبدیل شدن به بانک دارا نیست.





منابع و مآخذ

۱. ابن علی پور، احمد علی، ماهیت حقوقی سازمان کشاورزی و تغذیه جهانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۹
۲. استوپیر کارلتون، بائر الک، پلرز نوربرت، تونهوز و نوام «حقوق هسته ای» ترجمه عباسی اصل، انتشارات مجدد، تهران ۱۳۹۱
۳. انوری، حمیدرضا، رحمانی مرتضی «سازمان همکاری شانگهای: چشم اندازی به سوی جهان چندقطبی» مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، بهار ۱۳۹۰
۴. بیگ زاده، ابراهیم، کلنی، شهناز، یاقوتی، منیژه، «حقوق سازمانهای بین المللی» جلد اول، سازمانهای جهانی (مجموعه اسناد)، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۹۰
۵. زند فرد، فریدون، ایران و جامعه ملل، شیرازه، تهران، ۱۳۹۱
۶. نیاورانی، صابر، تحول دفاع مشروع در حقوق بین الملل، رساله دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی